



روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران
دوشنبه ۲۵ مهر ۱۴۰۱ - ۲۰ ربیع‌الاول ۱۴۴۴
سال بیست و چهارم - شماره ۶۵۹۹ - ۱۶ صفحه
قیمت: ۳۰۰۰ تومان

سرمقاله

ظلمی که به ملت رفت



محمد جووان
مدیر مسئول

یک ماه گذشته در حق ملت ایران ظلم گسترده‌ای روا شد، البته نه آن گونه که بوق استعماری و تلویزیون قبيله بسدوی از لندن روایت می‌کنند. در همه جای دنیا اعتراض به مسائل مختلف کم‌وبیش وجود دارد و در همه کره خاکی به جز سرزمین‌های تحت اشغال همان قبيله بدوی در شبه‌جزیره، امکان اعتراض

مسالمت‌آمیز وجود دارد. در همین میدان بهارستان خودمان روبه‌روی خانه ملت بارها دیده‌ایم که مردمی که مطالبه‌ای دارند تجمع کرده‌اند و با آنکه گاه شعارهای شان تند می‌شود و مجوزی هم ندارند، با مدارای حافظان نظم و امنیت مواجه می‌شوند. اصلاً مگر یادمان رفته که در آن صبح خردادی آن چند تروریست خیبت‌اشلوغی یک تجمع اعتراضی مقابل مجلس سوله‌استفاده کرده و محافظان خانه ملت را غافلگیر کردند؟

بین معترض و آشوبگر تفاوت روشنی هست؛ اینکه عده‌ای در کشورمان به گونه دیگری ببیندند و سلیقه متفاوتی داشته باشند چیز عجیبی نیست و اصلاً در همان همه‌پرسی جمهوری اسلامی هم حدوداً ۲۰ درصد نه گفتند. همین ۲۰ درصد به جمعیت امروز یعنی بیش از یک‌ونیم‌میلیون نفر که اگر به خیابان بیایند و سطل‌های زباله را نرسوزانند هم دیده می‌شوند، اما به‌رحال اقلیت‌اند. به‌جز اینها نمی‌توان انکار کرد که سئو، مدپریت‌ها و سوءتدبیرها در یک دهه گذشته با سفره مردم چه کرده و چه بلایی سر معیشت مردم آورده است. به‌جز دلالاتی که متخصص مکیدن خون مردم در نوسانات اقتصادی هستند، کیست که مشکلات اقتصادی را درک نکنند؟ اما از خیل عظیم ایرانیان این امنیت‌مثالی‌زدنی در منطقه پر آشوب غرب آسیا را سر راه آورده که به هیجان مشتکی سطل‌زباله‌سوز حراج کند؟

اما ظلم بزرگی که در حق ملت ایران رفت، آن بود که رفتار ناپهناجر و غیرمتمدانه عده‌ای را که نام معترض بر خود نهاده بودند، به ملت بزرگ ایران نسبت دادند؛ ملتی که تمدنی چند هزار ساله دارد، مگر نام «ایران» را از فلان قطعه‌نامه سازمان ملل یا مرزهایش را از توافق استعمارگران به دست آورده که بخواهد با شعار تجزیه‌طلبان آن را مخدوش کند یا پرچمش را به آتش بکشد؟ ایرانی‌ای که می‌داند ایران یکی از چند کشور معدودی در دنیا است که نمی‌توان تاریخ تأسیس تجزیه‌طلبان بی‌ریشه تمامیت‌ارشی این مرزوموز را زیر سؤال ببرند؟ ملت ایران هزار و چهارصد سال است که با دل‌وجان دین مبین اسلام را پذیرفته‌اند و سالیان متعادی یکی از کانون‌های اصلی تمدن اسلامی بوده‌اند، آیا می‌توان رفتار چند دلتک ملحد را به اینا نسبت داد؟ ملت متمدنی که حتی قبل از اسلام به حیا و غیرت شهره بوده و مردان و زنانش از پوشش کامل و عقیفانه‌ای برخوردار بوده‌اند، آیا به برهنگی و تبرج جنسی تمایل دارد که چند زن معلوم‌الحال در جمعیت ضدانقلاب این‌گونه ملت ایران را ترسیم کردند؟ ایرانیان آن مردمانی هستند که سالیان متعادی میزبان خاندان اهل بیت و امامزادگان در زمان حیات‌شان بوده و از جان‌ودل برای ساخت بقاع شریف‌شان ماهی گذاشته‌اند و اصلاً سلطان خود را امام رضا می‌دانند یا آن چند خبیث که به امامزاده و خانه خدا جسارت می‌کنند؟ چگونه معدود فحاشانی که تربیت صحیح فرهنگی نداشته‌اند - هر چند با دوپینگ در فلان دانشگاه هم قبول شده باشند - را می‌توان نماد ایرانیانی دانست که در دنیا زباز ادب و فرهیختگی هستند؟

وقتی از ملت ایران سخن می‌گوییم از مردمانی متمدن با چند هزار سال سابقه تاریخی و فرهنگی سخن به میان می‌آوریم که می‌دانند میراث‌دار چه نام و افتخاری هستند و البته معدود فارسی‌زبانانی را - که خودشان هم خیلی ایرانی بودن را افتخار خود نمی‌دانند - نباید به حساب ملت شریف ایران گذارد. آری! در حق ملت ایران جفای بزرگی رفت که رفتار معدودی اغتشاشگری بی‌فرهنگ به پای این ملت بزرگ و متمدن نوشته شد. ظلم بزرگی که حاصل کار مشترک سران آمریکا و برخی کشورهای اروپایی، پادوهای رسانه‌ای لندن نشین و ربات‌های فیک فضای مجازی است.

در این یک ماهی که گذشت دروغ‌های بسیاری گفته شد و بر آتش التهاب افزود؛ دروغ ضرب و شتم مهسا، دروغ قتل نیکا و سارینا و آیتک... همه این دروغ‌ها حیثانه و ناجوانمردانه بود، اما دروغ بزرگ‌تر از همه اینها دروغی بود که به ملت بزرگ ایران بسته شد و تصویری نامتبدن، بی‌هویت و غیرفرهنگی از آن به دنیا مخابره شد. مطالبات و رفتار ملت ایران در حد بی‌عتنی‌ها و فحاشی‌های وارثان اقوام بی‌فرهنگ و بدوی شمال اروپا و گاوچران‌های وحشی و اشغالگر بنگه‌دنیا تصویر شد. تصویری نامن و بی‌ثبات از این سرزمین کهن که امنیتش زبازند بود بازنمایی شد و خیالات خامی برای تکه‌تکه کردن این فلات یکپارچه به زیان آورده شد. این دروغ‌های بزرگ، ظلم بزرگی بود که بر ملت ایران رفت؛ از این ماجرا عبور خواهیم کرد، اما این ظلم بزرگ فراموش نخواهد شد.

گاف لندنی اوین

اغتشاش در اوین، به‌واقع یک گاف بزرگ انگلیسی بود. اول از جهت آنکه تصور کردند اوین را می‌توانند به‌عنوان یک محل تجمع نخبگانی معرفی کنند، زیرا بلافاصله هزاران توتیت زدند که «نخبگان ما را در اوین کشتند!» با آنکه دعوای ساختگی را در بند و بژه سرعت و محکومیت‌های مالی ترتیب دادند. دوم آنکه گمان بردند با خالی شدن خیابان‌ها، یک جای سر بسته بهترین جایی است که می‌توانند درباره آن هزاران دروغ بگویند و سر خمیره دروغ را بسته نگه دارند. سوم از آن جهت که دو تا سه ساعت قبل از آشوب اوین، اکانت‌های توتیتتری شروع به انتشار توتیت‌هایی با مضمون «آشوب در اوین»، «آزیر



صفحه ۱۵

تهران: نمی‌گذاریم امریکا از آب گل آلود اغتشاشات ماهی بگیرد

آشوب با برنامه‌ریزی از خیابان خالی به زندان در بسته کشیده شد و آن به چشم برخی زندانیان که در این حادثه جان باختند یا مجروح شدند، رفت

نجات جوان اغتشاشگر مسئولیت همگانی است

■ نصرالله منصور، روانشناس در گفت‌وگو با «جوان»: رفتار افراد چه جوان و چه پیر، نشئت گرفته از پنج عامل تعیین‌کننده است که شامل فرهنگ، طبقه اجتماعی، آموزش و پرورش، خانواده و گروه همسالان است. دو عامل آن مخصوصاً به گروه Z مربوط می‌شود. یکی از این عوامل آموزش و پرورش است و عامل دیگر خانواده است. البته گروه همسالان را هم می‌توانیم اضافه کنیم. حال در شرایطی که دوره جوانی دوره خاصی است که فرد حالت هیجانات خاص خودش را دارد، در این سال‌ها از توجه به تربیت این نسل و کلا به داد آنها رسیدن غفلت کردیم

وزیر صهیونیست:

توافق دریایی حاصل تهدید نصرالله است

بازی خوردی اسطوره!



■ آقای دایی شما بازکن بزرگی بودید. اسطوره فوتبال ایران هستید اما فریب یک بازی کثیف و کوچک را خوردید. چرا دایی باید یک خیر صدرصد ساختگی و جعلی را در اینستاگرام خود بگذارد؟! آیا واقعاً اینستاگرام دست خود اوست یا کس دیگری اداره می‌کند!؟



شهادت سلمان

تداوم راه پدر جانباز

و برادر شهیدش بود

گفت‌وگوی «جوان» با عموی بسیجی شهید سلمان امیراحمدی از شهدای اغتشاشات اخیر
صفحه ۷

گاف لندنی اوین

مریم زاهدی

ادامه از همین صفحه

در شرایطی که فراخوان تلویزیون‌های ماهواره‌ای فارسی زبان برای تجمع و آشوب در روز شنبه با بی‌توجهی مردم و حتی جوانان و نوجوانان مواجه شد و خیابان‌های شهرها در حالتی کاملاً عادی بود، ضد انقلاب و جریان برانداز به سراغ سناریوهای بعدی خود رفته و اغتشاشات را از کف خیابان به زندان اوین کشاندند! برخی گمانه‌زنی‌ها از برنامه‌ریزی شده بودن حادثه آتش‌سوزی اوین حکایت دارد. همچنان که برخی اکانت‌های توتیتتری چند ساعت قبل از حادثه جزئیات آن را منتشر کردند! این درگیری بین زندانیان بند ۷ اوین (محکومان مالی) با زندانیان بند ۸ (سارقان) به وجود آمد و عده‌ای با سوءاستفاده از شرایط انبار لباس و کارگاه کارآفرینی زندان را آتش زدند و ماجرا هیچ ربطی به زندانیان سیاسی ندارد، اما اطراحان این پروژه در امتداد پروژه مرگ مهسا امینی و کشته‌سازی نیکا شاکرمی و سارینا اسماعیل‌زاده و سپس آیتک رضایی و نیما شفق‌دوست، حالا که از به خیابان کشاندن مردم و شورش و اغتشاشگری ناامید شده‌اند، سناریوهای بعدی‌شان را تیک می‌زنند!

گزارش کمیته حقیقت‌یاب مجلس شورای اسلامی که روز گذشته در صحن مجلس قرائت شد نیز بر این تأکید دارد که هیچ‌گونه ضرب و جرح و برخورد فیزیکی با مهسا امینی رخ نداده‌است. با وجود این، همچنان فتنه‌انگیزی شبکه‌های معاند فارسی‌زبان به همراه لشکر سلبریتی‌های داخلی‌شان ادامه دارد و هشتگ مهسا امینی همچنان ترند باقی مانده‌است.

در این میان، گزینه‌های تازه‌تری هم به پروژه‌های کشته‌سازی اضافه می‌شوند. نمونه‌اش آیتک رضایی، دختر نوجوانی که خرداد ماه امسال خودکشی کرده و همان زمان هم مرگش رسانه‌ای شد، اما بنگاه‌های دروغ‌پردازی بی‌بی‌سی و یاران اینترنشنال از یک سو و برخی جریان‌های سلبریتی داخلی از نسوی دیگر به این ماجرا دامن می‌زنند و همچنان به دنبال اغتشاشگری و تهییج عواطف اقوام مختلف هستند. در کنار این براندازان که در تفرقه‌افکنی بین اقوام ایرانی ناکام مانده‌اند و از نسوی دیگر نیز پروژه‌های کشته‌سازی‌شان یکی پس از دیگری رسوا می‌شود، به سراغ گزینه‌های بعدی پروژه براندازی خود رفته‌اند. پروژه‌هایی همچون آشوب در زندان و تلاش برای فرار زندانیان، اما بیبنیم ماجرای آتش‌سوزی زندان اوین چه بود.

■ ماجرای یک آتش‌سوزی مشکوک

ساعت ۲۱:۱۰ شب شنبه ۲۳ مهرماه،

بقیه در صفحه ۳



شما متفاوت هستید شماره متفاوت بخرید

فروش ویژه شماره‌های خاص اعتباری و دائمی تا ۴۰٪ تخفیف

از طریق shop.mci.ir و تمامی مراکز فروش و خدمات همراه اول